

## نگاهی گذرا به مسأله آموزش زبان فرانسه درک و بیان / گفتاری و نوشتاری مطالعه مورد خاص (یادگیرنده‌های فارسی زبان)

نازینا عظیمی میبیدی \*

### چکیده:

این نوشته بررسی مختصری دریاب مسایل مختلفی است که فراروی دانشجویان ایرانی که زبان فرانسه را فرا می‌گیرند ظاهر می‌شود. این عامل که آنان بزرگسالند و قبلاً در دوران تحصیلات راهنمایی و دبیرستان انگلیسی یاد گرفته‌اند ما را بر آن داشت تا بعد از مطالعه‌ای دقیقتر و از نزدیک در مورد مسأله سعی کنیم پیشنهادها و راه‌حلهایی برای مرتفع کردن مشکل ارایه دهیم. آنان در یادگیری و کاربرد زبان با مشکلاتی روبرو هستند که منشأ آن نفوذی است که زبان آموخته شده قبلی (انگلیسی) بر روی زبان جدید اعمال می‌کند. مشکلات دانشجویان مشکلات گفتاری و نوشتاری و درک متن و کاربرد زبان است. آموزش دقیق آواها در ابتدای آموزش زبان

می‌تواند راه حل خوبی برای رفع این مشکل باشد. و تنها بعد از آن دانشجویان تواناییهای لازم ثانویه را کسب خواهند کرد. چند راه حل ارائه شده دیگر هم در آخر پیشنهادهایی است برای استادان که به راحتی برحسب متعلمین و نیاز آنان قابل تغییر هستند.

### واژه‌های کلیدی:

- Discrimination تمایز
- Ségmentation تقطیع
- Ecrit نوشتار، کتبی
- Oral شفاهی
- Compréhension درک
- Expression بیان
- Apprenant یادگیرنده
- Enseignant استاد
- Consonne صامت
- Voyelle مصوت

### مقدمه

مسأله آموزش و یادگیری زبان فرانسه به عنوان زبان خارجی، دانشمندان را از دیرباز به خود مشغول کرده است. از سالهای پیش زبان‌شناسان و بویژه استادان زبان فرانسه به این مطلب توجه داشته‌اند که درک مفاهیم گفتاری و نوشتاری یا به عبارت دیگر بیان مطلب به صورت شفاهی و کتبی، دو موردی است که به عنوان کار اساسی و محوری کلاس بخصوص در جلسات نخستین هر دوره آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد.

افراد غیر فرانسوی زبان که در این مقاله موضوع اصلی بحث می‌باشند، دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی هستند، این گروه در آغاز آموزش پیوسته با مشکلات تمایز<sup>1</sup> و تقطیع<sup>2</sup> حروف بویژه مصوتهایی مانند: /y/, /ø/, /o/, /u/ و آهنگ بیان جملات خبری امری و پرسشی و تطابق گفتار (محاوره) و نوشتار مواجه هستند.

آنچه که ما را وادار به توجه درباره این موضوع نموده، مشکلات و دلایلی هستند که موجب به وجود آمدن این‌گونه مسایل برای دانشجویان، بخصوص بزرگسالان

مبتدی و مبتدیهای پیشرفته می‌گردد و همچنین در حد امکان ارزیابیه پیشنهادها و تذکراتی برای رفع مشکلات مزبور می‌باشد.

نکته مورد توجه که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که یادگیرنده‌های بزرگسال، قبلاً زبان دومی در دوران تحصیلات راهنمایی و دبیرستان - معمولاً زبان انگلیسی - آموخته‌اند و این نکته یکی از عواملی است که همیشه در یادگیری زبان فرانسه، برای گروه به چشم می‌خورد و کسب تواناییهای مورد نظر را در آموختن زبان فرانسه تا رسیدن به سطح متوسط به تأخیر می‌اندازد.

استاد باید برای آموزش زبان فرانسه و رفع این مشکل، انگیزه‌ای در یادگیرنده‌ها ایجاد نماید. همچنین باید روشی به کار ببرد تا افراد مبتدی پیشرفته به مرحله مهارت برسند.

پرسشی که در این جا پیش می‌آید اینست که آیا کار یادگیری زبان را باید از مرحله گفتار آغاز کنیم یا مرحله نوشتار؟

پاسخ هر چه که باشد، نکته قابل توجه نتیجه‌ای است که به دست آمده: اغلب یادگیری زبان دوم با تأخیر در گفتار (مکالمه) نسبت به نوشتار، انجام می‌شود.

اگر مری - یاد دهنده - بخواهد به صورتی کلاسیک و از طریق آیین رسمی یادگیری، آموزش زبان را دنبال کند و یادگیرنده‌ها در محیطی غیر از سرزمین اصلی آن زبان باشند، این مسأله بیشتر آشکار می‌گردد. بخصوص اگر صحبت از زبانی باشد مثل زبان فرانسه در ایران، یعنی زبانی که در کشور مورد نظر از آن کم استفاده می‌شود، موقعیتهای مختلف کاربرد زبان از جمله بستگیهای جغرافیایی و لهجه‌های محلی، وابستگیهای طبقات اجتماعی و شغلی و شرایط خانوادگی از نظر فرهنگ و میزان تحصیلات، خانواده و نوع ارتباط بین گوینده‌ها و کاربرد زبان در گونه‌های مختلف آن برای یادگیرنده‌هایی که تنها با واژه‌های زبان فرانسه و آیین و قواعد رسمی آن تنها از طریق روشهای معلمان زبان فرانسه آشنا هستند، دشوار است و آنان نمی‌توانند گونه‌های مختلف مشروح بالا را به کار ببرند.

توضیح اینکه اصطلاحات آواشناسی و زبان‌شناسی بکار گرفته شده در این متن

از واژه‌نامه‌های زبان‌شناسی و آواشناسی (۲-۳-۴-۵-۸-۱۰ در قسمت مأخذ) اقتباس شده‌است.

### مرحله اول یادگیری: تشخیص وجه تمایز واجها و تقطیع واژه‌ها

دانشجویانی که می‌خواهند زبان فرانسه را بیاموزند، در مورد تشخیص و تمیز صداهای این زبان جدید باید آموزشی ویژه ببینند. به این ترتیب لازم است که از طرفی یادگیرنده‌ها نسبت به شناخت حروف و صداهای مختلف زبان، آگاهی کافی کسب نمایند و از طرف دیگر باید اختلاف تلفظ صداهای گوناگون را نسبت به صداهای مشابه آن در زبان مادری خود و همچنین زبان دومی که قبلاً آموخته‌اند (بخصوص زبان انگلیسی) بیاموزد. نکته قابل توجه این است که: با وجود آنکه هر فارسی‌زبانی، کم و بیش با زبان عربی آشنایی دارد زبان عربی - به خلاف زبان انگلیسی - چندان تأثیر سویی در یادگیری زبان فرانسه ندارد.

با آموزش نخستین صداها، توان تشخیص و تمایز حروف و صداهای معادل نزد آنان شکل می‌گیرد.

البته برای آنکه، یادگیرنده‌ها بتوانند حروف صامت و مصوت‌های زبان فرانسه را بخوبی تلفظ کنند، فقط تمرین‌های شنیداری و درک، کافی نیست و برای آن هدف نیاز به تمرین‌های تکراری و مکالمه دارند. به شکلی که با این تکرار و تمرین بتوانند، واژه‌های زبان فرانسه را بدرستی تلفظ نمایند. تا زمانی که تکرار و تلفظ صحیح جزء به جزء واژه‌های زبان فرانسه آموخته نشود، یادگیرنده‌ها قادر نخواهند بود که واژه‌ها را آن‌گونه که در زبان فرانسه تکرار و تلفظ می‌شود در برقراری ارتباط متقابل به صورت مکالمه یا نوشتار به کار ببرند. چون شنیدن درست صداها، پایه و مبنای تلفظ صحیح کلمات می‌باشد.

مسأله تشخیص و تمیز دادن و مقایسه صداها در یک زبان و بین دو زبان (یعنی زبان مادری و زبان مورد آموزش) بویژه بین زبان فارسی و زبان فرانسه بیشتر مشهود است، زیرا گاهی صحبت از واجهایی است که در نظام آوایی زبان مادری یادگیرنده‌ها

(منظور، در اینجا زبان فارسی) وجود ندارد. مثلاً به وضوح دیده می‌شود که واجهای: /ə/, /y/ در زبان فرانسه به ترتیب و اغلب با واجهای: /o/, /u/ که نقطه تکلمشان به دو واج اولی بسیار نزدیک است، اشتباه می‌شوند.

متذکر می‌شویم که از نظر متخصصان زبان‌شناسی، توسل جستن به تغییرات اندام آوایی برای تلفظ صدا (آواشناسی عضوی)<sup>1</sup> باید پرهیز شود.<sup>(۱)</sup>

بنابراین باید چه کرد تا این موانع به خوبی شناخته و رفع شوند؟ اساساً ریشه این خطاها و اشتباهات کجاست؟ در این مورد عوامل مختلفی مانند میزان شنوایی و شکل دستگاه صوتی در افراد مختلف، وجود دارد. همچنین از نظر گروه‌های سنی، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود به طوری که تلفظ صداهای مزبور و درک و دریافت آنها برایشان، زحمت فراوانی ایجاد می‌کند، تا جایی که ممکن است توانمندی آموختن زبان فرانسه را به صورتی کامل از خود نشان ندهند.

چگونه با اشتباهات و خطاهای یادگیرنده‌ها برخورد نماییم تا بتوانیم آنها را کم کنیم یا به کلی از بین ببریم؟ این کاری است که نزد یادگیرنده‌های جوان (به خلاف بزرگسالان) بهتر انجام می‌شود.

استاد می‌تواند به آنان تمرین‌هایی بدهد که از ورای آنها (جفت‌های کمینه)<sup>2</sup> را تشخیص دهند. در آغاز یادگیری این جفت‌ها باید از مجموعه واژه‌های فرانسه انتخاب شوند، دانشجو، می‌آموزد که آنها را بشناسد و تقلید کند (تکرار گفتاری) بدون اینکه نیازی به معنای آنها داشته باشد. سپس می‌توانیم یکی از دو جزء واژه‌های جفتی را به وسیله معادل آوایی آن (در صورت وجود) در فارسی جانشین کنیم. با این کار، دانشجو رابطه‌ای بین زبان جدید (فرانسه) و زبان مادری برقرار می‌کند و به این ترتیب، زبان مادری می‌تواند از نظر تلفظ و تکرار، در جهت یادگیری و در نتیجه به خاطر سپردن این واژه‌ها، کمک مؤثری باشد.<sup>(۲)</sup>

مثال:

tu [ty] ----- tout [tu] ----- تو [tu] ----- tout [tu]

tout [tu] ----- tot [to] ----- تو [to]

گاهی پیش می‌آید که دانشجو صدایی را بخوبی تشخیص می‌دهد مانند: /y/ یا /u/ ولی یک تصحیح افراطی<sup>1</sup> موجب می‌شود که این صداها را جابجا تلفظ کند و تداخلی ایجاد نماید و هر بار یک صدای /u/ داشته باشیم آنان بجای آن /y/ تلفظ می‌کنند یا به عکس صدای /y/ را بجای /u/ تلفظ می‌کنند. به همین ترتیب در مورد /o/ و /ø/ به همین دلیل است که استفاده کردن از نمونه‌های زبان مادری در کلاسهای مبتدی، گاه بسیار مؤثر است.

اگر یادگیرنده ارتباطی بین تصویرآوایی<sup>2</sup> داده شده و مفهوم آن در ذهن خود ایجاد کند، به قسمتی از مشکلش در آموختن زبان، فایده آمده است و دست کم دو صدا از روی چهار صدا را آموخته است.

امید است، این تمایزی که در بالا راجع به آن صحبت شد نزد یادگیرنده‌ها مؤثر واقع شود و اگر به چنین نتیجه‌ای برسیم، معلم می‌تواند آنها را گسترش دهد تا به مرحله تشخیص کلمات در زنجیره گفتاری دست یابد.

در این مرحله لازم است که از تقطیع واژه‌ها در جمله صحبت شود. لازمه دو فن تشخیص و تقطیع سرعت زیاد انتقال ذهن و آنی بودن در درک و فهم مطالب است که در زبان فرانسه مانند زبانهای دیگر اختلال سیلابها و تغییرات ریتم و لحن باعث تشدید آن می‌شود.

ریتم و لحن در زبان فرانسه می‌توانند در آغاز آموزش به عنوان یک نهاد ثانویه به حساب آیند. به عبارت دیگر ریتم و لحن در آغاز مرحله یادگیری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند زیرا اختلافات زیاد ریتم و لحن بین زبانهای فارسی و فرانسه وجود ندارد. این تکامل زبان می‌تواند بعدها در مراحل پیشرفته یعنی زمانی که تواناییهای

نخستین به دست آمده‌اند مورد توجه و آموزش قرار گیرد.

فرانسویها هنگام صحبت کردن، کلمات را از هم جدا نمی‌کنند و مسأله وصل<sup>1</sup> کلمات را نیز دانشجویان باید بیاموزند. به همین دلیل است که زنجیره آوایی زبان براحتی، یادگیرنده‌ها بویژه ایرانیان را در ابهام و پوشیدگی می‌افکند که بزرگترین مانع آموزش زبان فرانسه به شمار می‌رود.

پدیده تداخل سیلابها<sup>2</sup> (بخشها) مانع از تقطیع (برش) مناسب کلمات در جمله می‌شود و نتیجه آن ابهام و بدفهمی متنهای شنیداری است یادگیرنده‌ها با توجه به پدیده تداخل با مشکلات درک معنا و در نتیجه با مشکلات دیکته (نوشتن مطالب) روبرو می‌شود. مطالعه انجام شده در آزمایشگاه زبان، نشان می‌دهد که معمولاً موارد زیر باعث تقطیع نامناسب واژه‌ها در جمله می‌شوند:

### ۱- تغییرات آوایی :

الف : حذف /ə/ هنگام مکامله (e) صامت یا (e) زاید

مثال :

je la revoie [ʒəlarvwa]

عمل حذف /ə/ می‌تواند موجب پیش آمدن پدیده‌های ادغام واجها<sup>3</sup> گردد. یعنی ابهامی ایجاد کند که در پی آن غیر فرانسوی زبانان نمی‌توانند در گفتار معنی لغتی را که در نوشتار می‌فهمیده‌اند، درک کنند.<sup>(۳)</sup> (یعنی در نوشتار می‌فهمند ولی در شنیدار نمی‌فهمند و مسأله عدم تشخیص به مشکل بد فهمیدن منتهی می‌شود).

مثال :

tu reviens [tyrvj ě] ----- tu viens [tyvj ě]

je l'ai jeté [ʒləʃte] ----- je l'ai acheté [ʒləʃte]

1- Liaison

2- Chevauchement syllabique

3- assimilation

در مثال اول حذف /θ/ باعث می‌شود که صدای /r/ بسیار کم تلفظ شود تا جایی که به گوش شنونده نرسد در مثال دوم حذف /θ/ باعث می‌شود که شنونده نزدیکترین ساخت آوایی را در ذهن خود ایجاد کند و باعث اختلاف در درک مطلب می‌شود.

با این حال به نظر می‌رسد که دانشجویان این مطلب را در مورد کلمات، چند سیلابی، بهتر درک می‌کنند تا درباره واژه‌های تک‌سیلابی، چون در چند سیلابیها، زنجیره گفتار طولانی‌تر است و یادگیرنده وقت بیشتری برای واکنش نشان دادن دارد.

## ب - وصل :

باعث تقطیع نابجا می‌شود.

il l'apprend [illapʁɑ̃] ----- il la prend [illapʁɑ̃]

tout à l'heure [tutaløʁ] ----- toute à l'heure [tutaløʁ]

عمل وصل در اینجا باعث می‌شود که واژه tout به toute تبدیل شود و شنونده را دچار ابهام کند و برای او عبارتی بی‌معنا تولید کند.

## ۲- تغییرات واج - آوایی<sup>۱</sup>

### تلفظ صامت آخر

اگر ضمن نگاهی گذرا، گذشته زبانی افراد مورد نظر بررسی شود، در نگاه نخست درمی‌یابیم که زبان مادری آنان به گونه‌ای است که تمام حروف صامت (بی‌صدا) حتی حروف صامت آخر کلمه، تلفظ می‌شود، دوم اینکه آیین جمع‌بندی واژه‌های مفرد آن با افزودن «s» جمع نمی‌باشد، سوم اینکه آنان قبلاً زبان دومی در مدرسه یاد گرفته‌اند (زبان انگلیسی) که مانند زبان فارسی گرایش به تلفظ تقریبی تمام حروف صامت پایان واژه‌ها دارد، مگر در برخی موارد استثنایی مثل (صدای /b/ در کلمات Climb و comb)<sup>(۴)</sup>



مطالعات گسترده و تجزیه و تحلیل خطاهای نوشتاری یا گفتاری دانشجویان زبان فرانسه، نشان می‌دهد که یادگیرنده‌های ایرانی بعد از مدتی طولانی هنوز حروف صامت (بی‌صدا) پایان واژه‌ها را با اصرار تلفظ می‌کنند. حتی به‌رغم توصیف نشانه گنگ «e»<sup>1</sup> آنان در آغاز آموزش صداها را در جای نامناسب تلفظ می‌نمایند.

تلفظ تصویرآوایی [vert] به جای واژه vert و verte و همچنین لفظ [a tād] به جای واژه attend و attendant و واژه‌های بسیاری از این قبیل در زبان فرانسه.

شایسته توجه اینکه، مشکل به همین جا پایان نمی‌یابد و با قاطعیت نمی‌توان عنوان کرد که حروف صدا دار آخر واژه‌ها ملفوظند یا غیرملفوظ ولی حقیقت این است که در برخی از موارد تلفظ می‌شود و در برخی دیگر غیرملفوظ می‌باشند. در این راستا باید متذکر شویم که اضافه کردن «e» موجب می‌شود که آخرین حرف صامت کلمه تلفظ گردد و به عکس حذف نشانه «e» مانع تلفظ صامت پایانی واژه می‌شود.

اهمیت این پدیده یادگیرنده را وادار می‌کند که ضمن مقایسه زبانهای فارسی و انگلیسی با زبان فرانسه برای خود قوانین آوایی بسازد. تلفظ نابجای صامتهای آخر کلمه باعث می‌شود که مفهوم واژه مذکر به جای مؤنث و معنی کلمه جمع به جای مفرد به کار رود. بنابراین خطای بدخوانی مطلب، موجب تغییر مفهوم می‌شود.

حال چه راه‌حلهایی باید به استاد و شاگردان پیشنهاد کرد تا بتوانند این توانایی را به نحو احسن ایجاد کنند و واژه‌های هر مطلب (مثلاً یک خطابه) را به‌صورتی درست و مناسب تلفظ کنند.

این مسأله، مشکلی است که به موضوع شناخت تغییرات ساختاری<sup>2</sup> و تلفظ واژه‌ها، مربوط می‌شود (مطالعاتی که با تغییرات جنس (مذکر و مؤنث) و شمار (مفرد و جمع) و زمان فعل، ارتباط دارد.<sup>(۵)</sup>

ضمناً تحلیل و بررسی اشتباهات و خطاهای دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که «s»

1- «e» muet

2- Identification des variations morphophonologiques

نشانه جمع، تلفظ می‌شود و علت آن تقلید و پیروی از قواعد و آیین دستوری زبان انگلیسی است. این تأثیرپذیری قوانین تلفظ و مکالمه، موجب می‌شود که نه تنها در گفتگو و خطابه خوانی دگرگونی‌هایی ایجاد کند بلکه در آیین نگارش و دیکته هم مؤثر می‌باشد. مثلاً بنا به قوانین آوایی زبان انگلیسی باید همه حروف بی‌صدا در آخر کلمات، تلفظ شوند. حضور زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم یادگیرنده‌های ایرانی نه تنها موارد شفاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه در قوانین نگارش و دیکته هم مؤثر می‌باشد. استاد می‌تواند در زمینه تغییراتی از این قبیل در هر مورد توضیح دهد که با توجه به آیین منطقی و قوانین دستوری زبان فرانسه، یادگیرنده به جای حفظ کردن بدون تعمق می‌تواند به خوبی درک کند و بیاموزد. تذکر این موضوع لازم است که برای موارد استثنایی آموزش در کلاسهای زبان نیاز به رفتاری خاص دارد. یعنی مطرح کردن استثنای زبان از یک طرف و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان ایران که با مشکلاتی مشابه در زبان انگلیسی برخورد کرده‌اند، از طرف دیگر، در آموزش و یاد دادن زبان فرانسه شایسته توجه است. این دانشجویان با زبان عربی آشنایی دارند و به علت شباهت عربی به فارسی این زبان زیاد مورد توجه ما نیست.

بار دیگر به کاربرد «s» نشانه جمع دقت می‌کنیم که در زبان انگلیسی به خلاف زبان فرانسه هم در نوشتار و هم در گفتار ظاهر می‌شود. این مطلب مربوط است به اصول و قوانین زبان انگلیسی که در آن به رغم زبان فرانسه «s» جمع یک هجای معنادار<sup>1</sup> ملفوظ می‌باشد، در صورتی که «s» نشانه جمع در زبان فرانسه فقط نوشته می‌شود ولی در گفتار به تلفظ نمی‌آید.

لازم به تذکر است که چون در دانشگاه با بزرگسالان سر و کار داریم با آنها می‌توانیم علاوه بر تکرار و تمرین از طریق شنیداری، نگارش آوایی<sup>2</sup> را نیز مطرح کنیم. در کتابهای ویژه دانشگاهی، الفبای آوایی به کار رفته است و آنان را در مسأله تلفظ

واژه‌ها یاری می‌دهد تا دانشجو بتواند ارتباط بین دال<sup>1</sup> و مدلول<sup>2</sup>، را ایجاد کند و تا مرحله مکالمه و خطابه‌خوانی پیش روند؛ تا جایی که بدون نشانه‌های آوایی بتوانند مطالب را درست بخوانند و بنویسند. به همین علت هم در متن درسهای موجود کتابهای درسی بجز چند درس نخستین، این نشانه‌ها از واژه‌های دروس بعدی حذف شده‌است. آرایه الفبای آوایی باید تمایز مصوتها و صامت‌ها را روشن کند و می‌تواند با رعایت ترتیب حروف الفبا و یا به شکل دسته‌بندی مصوتها و صامت‌ها، جدا از هم مرتب شود.

به این ترتیب یادگیرنده می‌تواند تفاوت برخی صداها را در زبان مورد بحث (زبان فرانسه) را با زبان مادریش درک کند و آموختن صداها را جدید برای او امکان‌پذیر گردد. در مورد صامتهای زبان فارسی و زبان فرانسه بجز صامت «r» لزان (ارتعاشی) تفاوت دیگری مشهود نیست و تنها اختلاف یادگیری زبان فرانسه برای فارسی‌زبانان حروف صدادار (مصوتها) است، آن هم نه همه مصوتها بلکه برخی از آنها.

### مشکلات گفتاری و نوشتاری صفات:

یک بار دیگر به مشکل تلفظ واژه‌ها بعد از اضافه کردن «e» اشاره می‌کنیم و یادآوری می‌نماییم که افزودن «e» باعث تلفظ صامت پایانی کلمات می‌شود. مسأله افزودن «e» این امتیاز را دارد که بدون استثنا شامل همه موارد مشابه می‌گردد. به این ترتیب باید برای دانشجویان توضیح داده شود که در واژه‌ای مانند vert صامت «t» در پایان کلمه نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود مگر بعد از اضافه کردن «e» صامت معروف که افزودن آن موجب می‌شود که نوع مؤنث صفت یعنی verte حاصل گردد. بررسی نحوه آموزش به یادگیرنده‌های مورد نظر (فارسی‌زبانان) و همچنین تحقیق انجام شده بر روی افراد چند جامعه‌زبانی دیگر باعث شده که بتوان ادعا کرد شاید بهتر باشد یاد دادن صفتها را از شکل مؤنث آنها آغاز نماییم تا به شکل مذکر آنها برسیم.

همچنین به یادگیرنده‌ها پیشنهاد کنیم که هر چهار شکل صفت (مؤنث، مذکر، مفرد و جمع) را در تابلوهای توضیحی مانند نمونه زیر بنویسند تا یادگیری و شناخت شکل‌های مختلف صفت آسانتر شود.<sup>(۶)</sup>

تابلوی شماره ۱ صفت‌های مختوم به مصوت:

joli [ʒoli]	singulier	pluriel
feminin	jolie [ʒoli]	jolies [ʒoli]
masculin	joli [ʒoli]	jolis [ʒoli]

تابلوی شماره ۲ صفت‌های مختوم به صامت:

petit [pəti]	singulier	pluriel
feminin	petite [pətit]	petites [pətit]
masculin	petit [pəti]	petits [pəti]

نمودارهای بالا معرف تمام گونه‌های عادی صفت می‌باشند. با این امید که بعد از شناسایی چند صفت به این صورت، یادگیرنده‌ها بیاموزند که در مورد صفت‌های تابلوی شماره ۱ (صفت‌های مختوم به مصوت) هر چهار شکل، به گونه‌ای یکسان تلفظ می‌شوند و در مورد صفت‌های تابلوی شماره ۲ (صفات مختوم به صامت) شکل‌های مذکر مفرد و جمع به یک گونه و شکل‌های مؤنث مفرد و جمع به گونه‌ای دیگر تلفظ می‌شوند و تنها در مورد آخر، هنگام تلفظ، نشانه گفتاری آشکار می‌گردد.

باید با حضور یادگیرنده‌ها در کلاس به این نتیجه رسید که نشانه نوشتاری جمع در زبان فرانسه - به خلاف زبان انگلیسی - تلفظ نمی‌شود و جزیی که در گفتار، تلفظ می‌شود، تنها هنگام افزودن نشانه مؤنث می‌باشد. و آن هم در مورد صفات تابلو شماره ۲.

بنابراین در صورتی که یادگیرنده‌ها قبلاً نگارش آوایی را آموخته باشند، در تشخیص شکل‌های مختلف صفت موفق‌تر خواهند بود. البته در مراحل بعدی آموزش زبان فرانسه (درس آواشناسی) نیز، این مسأله به شکلی فنی‌تر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

با این حال به خلاف آنچه در آموزش صفت پیشنهاد شد، تقریباً در تمام روش‌های آموزشی، یاد دادن شکل‌های گوناگون صفت را از نمونه مذکر مفرد آن (شکلی که در کتاب‌های لغت به کار رفته) آغاز می‌کنند ولی آموزش به طریقه پیشنهادی، استاد را برای رسیدن به نتیجه بهتر یاری می‌کند و در عین حال از روش معمولی (به لحاظ ترتیب مطالب) نیز استفاده می‌نماید.

مطالعه موارد استثنایی مانند *cruel/cruelle* و *public/publique* زمانی فرا می‌رسد که یادگیرنده در کتب درسی خود به آن برخورد می‌کند. اینها مواردی هستند مبهم که با تغییر نگارش یا بدون تغییر ظاهر می‌شوند.

تبدیل «e-» به «-elle»

<i>cruel</i> [krwel]	singulier	pluriel
feminin	<i>cruelle</i> [krwel]	<i>cruelles</i> [krwel]
singulier	<i>cruel</i> [krwel]	<i>cruels</i> [krwel]

تبدیل «c-» به «-que»

<i>public</i> [pyblik]	singulier	pluriel
feminin	<i>publique</i> [pyblik]	<i>publiques</i> [pyblik]
masculin	<i>public</i> [pyblik]	<i>publics</i> [pyblik]

اضافه کردن «s» جمع باعث عدم تلفظ صامت آخر می شود.

os [os]	oral	écrit	œuf [œf]	oral	écrit
singulier	[os]	os	singulier	[œf]	œuf
purciel	[o]	os	purciel	[œ]	œufs

### مشکلات گفتاری و نوشتاری افعال

بعد از آنچه راجع به صفات و تلفظ آنها ذکر شد، به مشکلات دیگر از جمله نارساییهای گفتاری و نوشتاری تلفظ صامت پایانی افعال که بنا به شمار (مفرد و جمع) تغییر می کند و انواع دیگر واژه ها و اجزای کلام در زبان فرانسه می پردازیم. و بخصوص تلفظ صامت آخر در مورد افعال که برحسب شمار (مفرد و جمع) متغیرند و در مورد انواع کلمات و اجزای دیگر جمله مانند حرف تعریف نامعین که از نظر جنس (در مؤنث و مذکر) مختلفند (البته از نظر شمار هم تفاوت دارند) و کاربرد آنها در زبان فرانسه فراوان است. باید به یادگیرنده متذکر داده شود که قواعد تلفظ فرم نوشتاری «-ent» برابر است با «e» تنها در آخر کلمه و همانند قواعد صفات می باشد (یعنی به تلفظ نمی آید ولی اضافه کردنش به کلمه باعث تلفظ صامت پایان کلمه می شود). اضافه کردن پایانه <sup>1</sup> (v) به فعل نوعی تغییر شمار است که غیر از «s» نشانه جمع می باشد. افزودن این پایانه ها باعث تلفظ حرف صامت آخر در افعال دسته سوم می شود و به اصطلاح یک غیرخیشومی شدگی، <sup>2</sup> (x) ایجاد می کند (غیرخیشومی شدگی پایان فعلی که با حرف صدا دار خیشومی ختم شده است) به این ترتیب حرف مصوت خیشومی تبدیل می شود به یک حرف مصوت حلقوی به اضافه یک حرف صامت خیشومی که به دنبال آن می آید. (9)

مانند فعلهایی که با صداهای /ā/ و /ĕ/ ختم می شوند مثال :

il attend [ilatã]	ils attendent [ilzatãd]
il vient [ilvjẽ]	ils viennent [ilvien]
un [ẽ]	une [yn]

در مقایسه زبان فارسی با زبان فرانسه، درمی یابیم که فرانسه یک سیستم افزودن و ندها و علامت گذاری پیچیده دارد که درک و فهم آن برای فارسی زبانان مشکل است. زیرا فارسی زبانان تمایز مؤنث و مذکر اسمها و مفرد و جمع کلمات در زبان فرانسه برایشان دشوار است و علت آن است که در زبان فارسی تمایز مؤنث و مذکر اسمها و مسأله مفرد و جمع صفات وجود ندارد.

این تمایز در مورد جانداران (مؤنث و مذکر حقیقی) روشنتر است و بهتر در ذهن می نشیند. در مورد نشانه های صرف فعل، هیچ گونه تشابه و همانندی بین علامتهای صرفی فعل در زبان فارسی و نشانه های صرف فعل در زبان فرانسه دیده نمی شود. بنابراین یادگیرنده چاره ای ندارد جز این که به زبان مادری توسل جوید.

کمک گرفتن از زبان مادری یادگیرنده گاهی واقعاً لازم است، بخصوص در حد مبتدی و حتی گاهی نزد دانشجویان و در این مرحله، توسل به زبان مادری می تواند برای روشن کردن مسایلی به کار رود که به زبان اصلی نمی توان توضیح داد.<sup>(۱۰)</sup>

### چند پیشنهاد برای ایجاد تواناییهای لازم :

کسب توانایی درک و تشخیص دگرگونیهای فعل، مستلزم تمرین و تلاش و تأمل بسیار در نشانه ها و تغییرات واج - آوایی، می باشد.

- باید به یادگیرنده، تمرین هایی داده شود و از آنها خواسته شود که نشانه های شنیداری (دگرگونیهای تلفظ) را پیدا کنند. این تمرین ها باید در آزمایشگاه زبان و به کمک نوار مغناطیسی و همراه با متن نوشته انجام شود. تذکر این که نشانه های شنیداری

در هر موقعیت در جمله می‌توانند قرار بگیرند.

مثال:

la fille arrive / les filles arrivent

il append sa leçon / il apprend ses leçons

prends-le / prends-la

il met la table / ils mettent la table

- گوش دادن به متنهای شفاهی ضبط شده، در حالی که یادگیرنده نمونه نوشتاری آن متن را ملاحظه می‌کند (با هدف تشخیص و تمیز دادن، واجها و برش (تقطیع) کلمات.

- خواندن و تکرار متنها از روی نوار مغناطیسی بدون ملاحظه متن نوشتاری. در اینجا برای تکرار یادگیرنده مجبور است به حافظه و نیروی شنوایی خود متکی باشد.  
- تمرینهای خودنگری<sup>1</sup> و خودبازبینی<sup>2</sup>.

- یادگیرنده باید به صدای ضبط شده خود گوش کند، مقایسه صدای خودش با صدای اصلی نوار به او کمک می‌کند بر مشکلات روانی که ضمن شنیدن صدای خود حتی هنگام صحبت کردن برای او پیش می‌آید پیروز شود.

- تأکید بر آهنگ صدا، هنگام قرائت، به دانشجویان کمک می‌کند تا درک بهتر و درست تری در مورد جمله‌های امری، خبری و پرسشی داشته باشند.

- فقط گوش دادن و درک مفهوم.

باید متنهای ضبط شده بدون هیچ توضیحی به یادگیرنده داده شود تا یادگیرنده خودش مفاهیم را درک کند.

- از یادگیرنده بخواهیم که معنی و مفهوم را حدس بزند، یعنی بدون کمک معلم، مفهوم



متن را درک نماید و تشویق شود که در فهم مطالب تأمل کند.  
 - تمرینهای ساده گفتاری - انتقالی<sup>1</sup> بحث و گفتگو درباره موضوع یا شیتی که در کلاس وجود دارد تا یادگیرنده بتواند درباره آن مطالبی بگوید.

### نتیجه:

آنچه در نوشته‌های گذشته مطرح شد تنها بخشی از مشکلاتی است که با آنها برخورد شده است. همچنین در این مقاله چند پیشنهاد برای رفع مشکلات موجود بخصوص نزد فارسی‌زبانان ارائه شده است.

برای رسیدن به مرحله گفتار و بیان مطالب (پاسخ دادن به پرسشها) به صورت شفاهی و کتبی باید تا پایان ماههای اول یادگیری یعنی (۳۰۶ ساعت کلاسهای گرامر و آواشناسی در ۱۷ هفته) صبر کرد.

بعد از این دوره، یادگیرنده دیدی واج - آوایی احراز می‌کند که می‌تواند او را در شنیدن و فهمیدن تمرینها و صرف واژه‌ها و ترکیب کلمات و شناخت نشانه‌های صرفی یاری نماید.

تذکر این که خواندن متن باعث ایجاد توانایی درک مفهوم و دریافت معنی، می‌شود. بنابراین یک دوره تکمیلی برای رفع مشکلات گرامری و شناخت و درک دگرگونیهای واژه‌ها لازم است.

در کشورهایی که یک زبان معین، موقعیت اجتماعی بالاندا دارد (مثل زبان فرانسه در ایران)، نشانه‌های این زبان در روزنامه‌ها - تابلوها و کلاً مطبوعات کمتر دیده می‌شود و به آن توجه خاصی نمی‌شود و یادگیرنده با آن در ارتباط نمی‌باشد، فراگیری آن مشکلتر از زبانی است که در آن کشور موقعیت اجتماعی بهتری دارد (مثل زبان انگلیسی در ایران) یادگیرنده‌های زبان انگلیسی در ایران (به خلاف یادگیرنده‌های زبان فرانسه) بیرون از کلاس و در جامعه شهری خود با آن برخورد دارند اما در مورد فراگیری

زبان فرانسه آشنایی با زبان مزبور تنها در کلاس و از روی متنهای نوشتاری و گفتاری می‌باشد. به همین دلیل است که دانشجویان در کلاسهای مکالمه زبان فرانسه برای پاسخ دادن شفاهی آمادگی کافی ندارند، چون تماس شفاهی با واژه‌ها و نشانه‌های زبان فرانسه خارج از کلاس نداشته‌اند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بسیاری از مسایل نوشتاری ناشی از مشکلات گفتاری می‌باشد. (یعنی اگر مطالب شفاهی را بفهمند در نوشتن هم اشتباه نمی‌کنند).

در مورد نگارش نیز مشکلاتی وجود دارد که در چهارچوب این مقاله کوتاه نمی‌گنجد و باید در مقاله‌ای گسترده مورد توجه قرار گیرد. فقط یادآوری می‌شود که اگر یادگیرنده نتواند املاء بنویسد، در نگارش زبان فرانسه توانایی نخواهد داشت. املاء فنی است که فراگیری سه فن دیگر را به دنبال دارد: نوشتن درست واژه‌ها، گرامر (دستور زبان) و انشا (نگارش متن دلخواه)، مسایل شنیداری، تشخیص واجها و توانایی در تقطیع واژه‌ها و مطابقتهای گرامری (تشخیص مفرد و جمع مؤنث و مذکر) که نزد جوانان و بخصوص یادگیرنده‌هایی که قبلاً به جای زبان انگلیسی در دوران تحصیلات دبیرستان، زبان فرانسه خوانده‌اند، با اینکه تعدادشان بسیار کم است ( $\frac{5}{80}$ ) مشکلات کمتری ایجاد می‌کند.

در پایان یادآور می‌شود که آنچه در این مقاله گفته شد، به هیچ‌عنوان نمی‌تواند راه حل نهایی برای رفع مشکلات یادگیری زبان فرانسه باشد بلکه تنها پیشنهادهایی ساده و فقط به عنوان تذکر می‌باشد.

استاد باید بنابر دیدگاه و وضعیت و موقعیت علمی و سنی گروهی که برای آموختن رودررویش قرار گرفته‌اند خط مشی و فنون جدیدی به کار ببرد تا نتیجه بهتری به دست آورد.

### مآخذ:

- ۱- تبریزی ا.ا.، تحلیل کلام و کاربرد آن در آموزش فرانسه به غیر از فرانسوی زبانان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۱۹۸۷.

- ۲- حق شناس، علی محمد: آواشناسی (فونتیک)، انتشارات آگه، تهران، چاپ ۲، ۱۳۶۹.
- ۳- حیاتی، محمد: واژه‌نامه زبان‌شناسی، فارسی - فرانسه - انگلیسی.
- ۴- دیهیم، گیتی: درآمدی بر آواشناسی عمومی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۸.
- ۵- ساغروانیان، سیدجلیل: لغت‌نامه توضیحی زبان‌شناسی، نیما، مشهد.
- ۶- شریعت، محمد جواد: دستور زبان فارسی، اساطیر، تهران، ۱۳۶۴، صص ۱۹۸-۲۱۵.
- ۷- عظیمی میبدی، نازیبا: خودمحوری در آموزش شفاهی، کردیف، پاریس، ۱۹۹۵، صص ۲۲/۲۰.
- ۸- مانفردی بروش، زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، انتشارات آگه، تهران، چاپ ۲، ۱۳۶۳.
- ۹- ناتل خانلری، پرویز: دستور زبان فارسی، توس، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۰- هایمن لاری ام، نظام آوایی زبان، ترجمه یدالله ثمره، فرهنگ معاصر تهران، ۱۳۶۸.
- 11- Arrivé, Michel; Gadet, Françoise; Galmiche, Michel, La grammaire d'aujourd'hui Flammarion, Paris, 1986. p 418 - 422/ 280 - 287.
- 12- Coste, Daniel; Le renouvellement méthodologique dans l'enseignement du FLE : remarques sur les années 1965 - 70, dans la revue Langue Française n 8, Larousse, Paris, 1970. p 7 - 27.
- 13- Guimbretière, Elisabeth; Phonétique et autonomie de l'apprentissage, dans La revue Le Français Dans le Monde n° spécial : Les auto - apprentissages, Hatier, Paris, 1992. p 59 - 66.
- 14- Guimbretière, Elisabeth, Plaisir des sons, Hatier, Paris, 1989. p 17 - 20 / 37 - 49.
- 15- Génouvrier, E; Peytard, Jean; Apprentissage du français langue

- maternelle, dans la revue Langue Française n 6, Larousse, Paris, 1970.
- 16- Grevisse, Maurice, Le bon usage; Duculot, Paris - Gembloux, 1986. p 758 - 834 / 865 - 880.
- 17- Peytard, Monique, Situation d'oral, Cle international, Paris, 1983.
- 18- Richard, Daniel; Les Langues vivantes, Larousse, Paris, 1974. p 163 - 185.
- 19- Vanoye, Francis, Mouchon; Jean, Sarrazac, Jean - Pierre; Pratique de l'oral, Armand Colin, Paris, 1991. p 15 - 26.
- 20- Drills and Exercices in English pronunciation, Consonnant and Vowels, English Language services, The Mac Millan Company, Wachington D.C. 1966. p 108 - 109.

پی نوشتها:

۱- منبع ۱۳

۲- منبع ۷

۳- منبع ۱۴

۴- منبع ۲۰

۵- منبع ۱۷

۶- منبع ۱۲

۷- منبع ۱

۸- منبع ۲

۹- منبع ۶

۱۰- منبع ۱۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی